



## بسمه تعالی

### جلسه نهم استاد حسینی ۱۹ دی ۱۴۰۲

یکی از مسائلی که در خانواده‌ها ایجاد چالش می‌کند مسئله داشتن استقلال در مقابل احساس تعلق است. مسئله ازدواج در ابتدا امری بسیار خوب است و همه چیز شیرین است ولی آرام آرام مشکلات شروع به رخ نشان دادن می‌کنند مانند اینکه برای مسافرت عید کجا برویم یا اینکه برای مهمانی به کدام خانه‌ها برویم. یکی از مسائل عمده در این مواقع بحث مکان دید و بازدید مطرح است و مهمتر اینکه خواسته‌های ما در مقابل خواسته‌های همسرمان قرار می‌گیرد و خواسته‌های افراد باهم متفاوت است. مرزبندی و حد و مرز قرار دادن یکی از راه‌های حل این مشکل است، اینکه ما برای خواسته‌های خودمان یا تحقق بخشیدن به آنها حد و مرز قائل شویم و اول مشخص کرده باشیم که در ابتدا چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم. در نظام سنتی گذشته همیشه والدین همسران و یا پدر بزرگ و مادر بزرگ تصمیمات اصلی و اصول را مشخص می‌کردند ولی در دوره امروز بحث برابری مطرح است و روابط بین افراد نیز باید با اعتدال باشد. در روابط برابر یعنی برای مثلاً همان قدر که مادر و پدر مهم هستند فرزندان نیز مهم هستند و این در تصمیم‌گیری‌ها و مشورت‌های ما تأثیرگذار است و به توافق همه کمک می‌کند که هر کس چقدر حق نظردهی دارد. \* همه‌ی ما نیاز به تنهایی و تصمیم‌گیری به تنهایی و فردیت داریم و اینکه در یک سری مواقع استقلال داشته باشیم. در گذشته میزان تحکم و امر کردن مردان بر زنان بیشتر بود و اکثراً از حد خودش خارج می‌شد ولی امروزه فضای تحکم کردن به میزان معقولی کاهش پیدا کرده و همسران می‌توانند استقلال بیشتری داشته باشند و حقوق هر کس بیشتر به رسمیت شناخته می‌شود. از نظر روانشناسی این موضوع رعایت اعتدال فردیت نام دارد یعنی در عین اینکه ما در کانون گرم خانواده حضور داریم داریم خواسته‌هایی نیز هستیم اما در شخصیت‌های وابسته این استقلال به طور ذاتی کم است و مقابل این موضوع نیز وجود دارد ولی باید تلاش کرد تا به اعتدال دست یافت. وقتی ما مجبور می‌شویم برای مهمانی به منزل یک نفر که دوست نداریم برویم یعنی این استقلال دچار ضربه و مشکل شده است و مسئله مشخص کردن حد و مرز برای همین موضوع است. خانم‌ها در منزل باید در کنار زحماتی که در خانه انجام می‌دهند و خانه را مدیریت می‌کنند باید بتوانند استقلال خود را داشته باشند آنها حق دارند تا در کنار زحمات، استراحت و حق لازم را هم داشته باشند. مثلاً اگر در آخر یک هفته به گفته شوهر، به خانه والدین ایشان رفتید هفته بعد باید محل طبق علاقه همسر باشد و این اعتدال رعایت شود تا هیچکدام از دو طرف ناراحت نشوند. البته که این موضوعات باید در بین تمام خانواده‌ها و جامعه فرهنگ سازی شود و یاد داده شود تا تأثیر مثبت بگذارد.



در خانواده‌هایی که تمام مسئولیت‌ها روی دوش یک نفر هستش، یک حس عدم کفایت برای طرف مقابل ایجاد می‌کند و بیشتر مواقع این صورت می‌گیرد یا اگر مسئولیت‌های دیگران را نیز ما تماماً به دوش بکشیم هم برای ما و هم برای شخص مقابل مضر است.

\* ما چند نوع استقلال از جمله: مالی - عملی و فکری داریم. در زمان‌های قدیم برای زن هیچکدام از این موارد در نظر گرفته نمی‌شد ولی این شیوه برخورد با خانم‌ها امروزه صورت نمی‌گیرد و دیگر اعتقادی به این شیوه نیست و اخلاقی و توانمند زندگی کردن و استقلال داشتن جای استبداد را گرفته است. در بین این استقلال‌ها استقلال فکری از همه مهمتر است و این ممکن نیست که ما انتظار داشته باشیم همه مثل ما فکر کنند یا اینکه ما طرز فکر خود را شبیه دیگران کنیم. ما علاوه بر اینکه در قبال همسر خود مسئولیت داریم، در قبال فرزندان نیز مسئولیت‌هایی داریم و آنها نیز حق دارند که در حد خود استقلال داشته باشند و استقلال خواهی آنها از زمانی که می‌گویند خودم آغاز می‌شود دقیقاً آنجا است که کودک اعلام درخواست استقلال می‌کند و این خودم حرکت خوبی است که کودک بخواهد کارهایش را خودش انجام دهد و نمی‌خواهد وابسته به والدین باشد. ما برای فعال شدن این استقلال به کودکان نیز اجازه تصمیم‌گیری و نظر دادن بدهیم البته که باید این تصمیم بدون خطر و با حد و مرز باشد.

\* موضوع بعد احترام و دوست داشتن بچه‌ها است. برای مثال وقتی فرزند ما از کاری راضی نیست و نمی‌خواهد جایی که ما می‌رویم، بیاید ما باید با مهربانی به او اجازه دهیم که نیاید و با این کار آرام آرام او را به سمت استقلال می‌بریم همچنین ما باید چسبندگی خود را به فرزندان کم کنیم و به آنها اجازه دهیم در اردوها و یا برنامه‌های این چنین شرکت کنند و یاد بگیرند که چه کاری باید انجام دهند و استقلال را تجربه کنند. گاهی کودکان می‌خواهند استقلال داشته باشند و کاری را به تنهایی انجام دهند ولی نمی‌توانند، ما باید اجازه دهیم که او کارش را انجام دهد حتی اگر قرار باشد ما کارهای او را تمیز و جمع کنیم در کنارش باید از سرزنش کردن نیز پرهیز کنیم. ما اگر بچه‌ها را زیر ذره‌بین نقد ببریم و زیاد از حد به او تذکر دهیم، آن موقع آنها دیگر هرگز دلشان نمی‌خواهد که کاری انجام دهند. ما باید در ابتدا آنها را تشویق کنیم و سپس با لحن دوستانه به آنها اشکال کارشان را بگوییم. ما هرگز نباید فرزندان را با هم مقایسه کنیم زیرا این کار ضربه بزرگی به آنها می‌زند و ما باید با تمرین عادت مقایسه کردن را از خودمان دور کنیم.

\* موضوع برای نوجوانان و جوانان متفاوت است و آنها هرگاه بخواهند استقلال خود را نشان دهند با عصبانیت و مخالفت این کار را می‌کنند و ما از این مخالفت برداشت خوبی نمی‌کنیم و دائماً در این فکر هستیم که پسر یا دختر ما لجباز شده است و بد اخلاقی می‌کند و به او برچسب می‌زنیم. در این موضوع نوع تفصیر ما باعث دامن زدن به مخالفت او می‌شود و کار را خراب می‌کند. از دیگر موارد نیاز جوانان به استقلال، نیاز به داشتن حریم خصوصی است



و ما باید برای آنها حریمی قائل باشیم و نباید پا روی آن حریم بگذاریم زیرا اگر این کار را بکنیم باعث عصبانیت و خشم او می‌شود زیرا آنها معتقد هستند که باید برای ورود به حریم خصوصی باید حتماً از آنها اجازه گرفت. در دورانی که فرزندان وارد نوجوانی و تغییرات حاصل از این دوره می‌شوند عمدتاً از وضعیت جسمی خود رضایت ندارند ولی هرچه جلوتر بریم و از این مرحله بگذریم شرایط بهتر می‌شود و خود آنها نیز دوباره امید بدست می‌آورند و نوع برخورد ما هم بسیار مهم است که آیا در این دوره ما با آنها با لحن مناسب برخورد می‌کنیم یا خیر مثلاً اگر جوان ما قصد بیرون رفتن با دوستان خود را داشته باشد و ما اجازه ندهیم او احساس به خطر افتادن استقلال خود و ضایع شدن پیش دوستان خود را دارد و بسیار ناراحت می‌شود و حتی ممکن است که از طرف دوستان خود مورد اذیت و برچسب زدن قرار بگیرد و اگر فرزند بیند که دوستان از طرف شما رد می‌شوند دوستی خود را در خفا انجام می‌دهند پس باید جای شخصیت دوستان رفتارهای آنها را نقد کنیم تا فرزند ما هم یاد بگیرد.

پایان مبحث جلسه نهم استاد حسینی

۱۴۰۲/۱۰/۲۴